

عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با احساس امنیت در فضای خانواده

حسین افراسیابی^۱، یاسین پورخرم^۲، سجاد ممبینی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۷)

چکیده

خانواده از بنیادی‌ترین عوامل توسعه فردی و اجتماعی در جوامع مختلف است و نقش بی‌بدیلی در رشد احساس امنیت کنشگران اجتماعی دارد. برای آنکه خانواده نقش و کارکرد اجتماعی خود را به‌خوبی انجام دهد، قبل از هرچیز باید از فضایی امن و پویا برخوردار باشد. تحقیق حاضر با هدف تعیین عوامل مرتبط با احساس امنیت در فضای خانواده‌های شهر شیراز انجام شد. رویکرد تحقیق کمی و روش آن پیمایشی بوده است. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شد. برای پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعه آماری شامل خانواده‌های شهر شیراز بوده است که به این منظور ۵۰۰ خانواده به شیوه طبقه‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین احساس امنیت در فضای خانواده با میزان دین‌داری، رضایت از زندگی، امکانات زندگی، انحرافات اجتماعی، روابط اجتماعی، تحصیلات والدین و درآمد خانواده وجود دارد. براساس رگرسیون چندمتغیره، رضایت از زندگی و انحرافات اجتماعی اعضای خانواده، مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده احساس امنیت در فضای خانواده افراد مورد مطالعه است.

hafyasiabi@yazd.ac.ir

khoram67@yahoo.com

sajadmombeini68@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

واژگان کلیدی: احساس امنیت، فضای خانواده، دین‌داری، رضایت از زندگی، امکانات زندگی، روابط اجتماعی.

مقدمه

امنیت از ریشه لاتین *securus* در لغت به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴). امنیت از نیازهای اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. مرتفع‌شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، به طوری که آبراهام مازلو در سلسله‌مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهه، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

مفهوم امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن در پی توسعه تحلیل‌های جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم نخستین‌بار از جانب گروه مستقلی از محققان در مؤسسه تحقیقات کپنهاک توسعه پیدا کرد (بیلگین،^۱ ۲۰۰۳: ۲۱۱). در باب احساس امنیت تعریف‌های متفاوتی وجود دارد که هرکدام از زاویه‌ای مقوله امنیت را تعریف کرده‌اند؛ از جمله «احساس امنیت به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود» (افشار، ۱۳۸۵). احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸). در مجموع می‌توان مفهوم امنیت را «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت» و درباب افراد، «نبود هراس و بیم از سلب حقوق و آزادی‌های مشروع» و «به مخاطره نیفتادن حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه» و درکل «فقدان هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد» تعریف کرد (ریچارد،^۲ ۱۹۹۹). امنیت اجتماعی دو بعد ذهنی و عینی دارد: در بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنی فقدان تهدید علیه ارزش‌های کسب‌شده است؛ و در بعد ذهنی، مشتمل بر نبود هراس از اینکه آن ارزش‌ها هدف حمله قرار گیرد (اونیل،^۳ ۲۰۰۲). بعد ذهنی امنیت به معنای احساس امنیت است. امنیت از لحاظ بعد ذهنی ارتباط مستقیمی با ذهنیت و ادراک مردم دارد. پس احساس امنیت را می‌توان در تجربه‌ها و تفسیرهای افراد جست. بیشتر

1. Bilgin
2. Richard
3. Oneill

تهدیدها برای افراد ناشی از این حقیقت است که آنها در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط انواع فشارهای اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را ایجاد می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

احساس امنیت همیشه ملازم وجود امنیت نیست؛ چه بسا در جامعه‌ای امنیت وجود نداشته باشد، ولی مردم احساس امنیت کنند. همچنین برعکس، ممکن است امنیت وجود داشته باشد، ولی مردم احساس امنیت نکنند؛ چون احساس امنیت مقوله‌ای ذهنی است. در بسیاری از موارد، احساس ناامنی در خانواده شکل می‌گیرد؛ این در حالی است که احساس ناامنی را خانواده به فرزندان منتقل می‌کند و نسلی محتاط، بدبین و مضطرب و بی‌اعتماد به جامعه تحویل می‌دهد و تأثیر ناگواری بر تعاملات و پیشرفت جامعه می‌گذارد (شایگان و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). نتیجه یک نظرخواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین این گفته است که ۸۱ درصد از ایرانیان به‌گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

ارائه نظریات کلی و کالبدشکافی مفهوم احساس امنیت به‌تنهایی کافی نیست و بررسی مفهوم احساس امنیت نیازمند تحدید آن به حوزه خاصی از واقعیت است که برای این منظور خانواده در نظر گرفته شده است؛ چراکه خانواده در بین تمام نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی نقش و اهمیت خاص و بسزا دارد. چنان‌که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، اگر از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای امنیت کند، اگر خانواده از امنیت بهره‌مند نباشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱).

براساس دیدگاه‌های موجود (ینگلهارت،^۱ ۱۳۸۲؛ گیدنز، ۱۳۷۷) احساس امنیت، به‌ویژه در کودکی و نوجوانی پیامدهای مثبت و مهمی در بزرگسالی دارد. احساس امنیت این دوران سرنوشت‌ساز برای انسان بیش‌از هر جا در فضای خانواده تحقق می‌یابد. احساس امنیت خانواده به معنای حفظ حریم زندگی خصوصی خانوادگی از خطرهای و تهدیدها و نیز ارتقای سطح زندگی خانوادگی با اتخاذ تدابیری جهت کسب فرصت‌های زندگی است. در اینجا مقصود از خطر و تهدید کلیه مخاطراتی است که در روابط گرم و عاطفی، صمیمی و محبت‌آمیز خانواده اختلال ایجاد کند و احساس نزدیکی و هم‌دلی میان اعضا را از بین ببرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۰).

خانواده برای اعمال کارکردهایش نیاز دارد در فضای درون فضای جامعه احساس امنیت کند؛ چراکه جامعه جدید کاستی‌هایی در درون نهاد خانواده ایجاد کرده است و خانواده در معرض خطرهای و زیان‌های پرشماری قرار گرفته است. بدین‌سبب اعضای خانواده دچار کمبود

سرمایه عاطفی در حوزه ارتباطات شده‌اند، به طوری که آسیب‌ها، آفت‌ها و بحران‌ها امنیت عاطفی اعضای خانواده را به مخاطره انداخته‌اند (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۸۹). اغلب افراد منحرف از فضای گرم و عاطفی خانواده محروم بوده‌اند. هر تغییر مثبت یا منفی در خانواده بر جامعه بزرگ انسانی تأثیر مستقیم دارد. احساس امنیت در خانواده به طور مستقیم بر جامعه تأثیر می‌گذارد؛ یعنی در جوامعی که ارزش‌های خانواده متزلزل شوند و خانواده نتواند نیازهای عاطفی و احساس امنیت را برآورده کند دچار تزلزل می‌شود. با توجه به اهمیت و نقش اثرگذار خانواده در سرنوشت فردی و اجتماعی، لازم است خانواده، قبل از هر نهاد دیگری، فضایی آرام و امن داشته باشد. این تحقیق با هدف بررسی میزان احساس امنیت در فضای خانواده و عوامل مرتبط با آن انجام شده است و به دنبال آن است تا نقش و اهمیت این عوامل را بررسی کند.

تحقیقات پیشین

امنیت و احساس امنیت در سال‌های اخیر مرکز توجه محققان رشته‌های مختلف به‌ویژه حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. خواجه‌نوری و کاوه (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر سنندج» دریافتند که بین جنسیت، وضعیت تأهل، نوع مسکن و وضعیت سکونت با احساس امنیت رابطه معنادار برقرار است. بین استفاده از رسانه‌ها و احساس امنیت نیز رابطه معنی‌دار وجود دارد.

یافته‌های تحقیق هاشمیان‌فر و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که دین‌داری و تمام ابعادش با احساس امنیت رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد. همچنین احساس امنیت با میزان استفاده رسانه‌های داخلی، تلویزیون، رادیو و ماهواره رابطه معنی‌دار دارد.

تحقیق دیگری با عنوان «بررسی ادراک شهروندان از احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در استان خراسان جنوبی» که به کوشش فرهادپور و همکاران (۱۳۹۱) صورت گرفته است، نشان داد که میزان امنیت از دیدگاه شهروندان به صورت کلی متوسط است، میزان امنیت خرده‌مقیاس‌های مالی، اجتماعی و روانی متوسط است، میزان امنیت خرده‌مقیاس‌های جانی، سیاسی و حقوقی بالاست و بین میزان امنیت براساس جنسیت و سن تفاوت معناداری وجود دارد.

در تحقیق دیگری که مختاری و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت در شهر یاسوج» انجام دادند، تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، افراد مجرد و متأهل، قوم لر و اقوام دیگر و... از نظر احساس امنیت شناسایی شد. در این تحقیق رابطه مستقیم و معناداری نیز بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی،

اعتماد اجتماعی، میزان دین‌داری، نگرش به عملکرد پلیس و متغیر وابسته میزان احساس امنیت دیده می‌شود.

افشانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر یزد» اکثر پاسخگویان را به لحاظ احساس امنیت اجتماعی متوسط ارزیابی کردند. همچنین متغیرهای جنس، وضعیت تأهل، سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و منطقه سکونت رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی افراد نداشت، ولی متغیرهای استفاده از رسانه‌های جمعی، رضایت از زندگی، دین‌داری، بهداشت روانی-اجتماعی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با احساس امنیت اجتماعی افراد نشان داد.

یافته‌های تحقیق هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت» نشان داد که ضریب همبستگی بین رضایت اجتماعی و امنیت اجتماعی بالاست و بالا بودن میزان هر یک از این دو می‌تواند در خلق دیگری مؤثر باشد.

پورکسمائی و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «ساختار خانواده و احساس امنیت» به این نتایج دست یافتند که خانواده سنتی به نسبت خانواده دموکراتیک جدید از احساس امنیت و لذت بیشتری برخوردار است. تحقیق آنها نشان داد که احساس امنیت زنان، هم در خانواده سنتی و هم مدرن، به نسبت مردان کمتر است. زنان در خانواده مدرن کمتر از خانواده سنتی احساس امنیت می‌کنند. هاودون و ریان^۱ (۲۰۰۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی وجود دارد. همچنین، بین اعتماد و عمل متقابل همسایگان رابطه معناداری وجود ندارد. لیندسترام^۲ (۲۰۰۸) در تحقیق خود دریافت که افراد مختلف با توجه به نوع محیط پیرامونی، بینش متفاوتی در باب مفهوم امنیت دارند و احساس امنیت را با توجه به نظام اقتصادی، نظام سلامت و تجربه‌های فردی نامنی، متغیر می‌دانند و دلهره ناشی از احساس نامنی را بیشتر از نامنی واقعی و عینی تصور می‌کنند. گانت و بنیامین^۳ (۲۰۰۸) در مقاله خود با عنوان «نامنی شغلی، استرس و جنسیت» نشان داده‌اند که نامنی شغلی در زنان بیشتر از مردان است و در مردان سنتی احساس نامنی بیشتر از زنان سنتی است، اما در زنان و مردان برتری طلب، درجه مشابهی از احساس نامنی شغلی دیده می‌شود. اولسن^۴ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با

1. Hawdon & Ryan
2. Lindstrom
3. Gaunt & Benjamin
4. Olsen

عنوان «امنیت اجتماعی، و معضلات آن» امنیت اجتماعی را با متغیرهایی مانند امنیت ملی، سازگاری با توسعه محیط زیست و امنیت انسانی مرتبط دانسته است. در مجموع می‌توان گفت بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره احساس امنیت، با نگاهی کلی، سعی کرده‌اند میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن را شناسایی کنند. در واقع، به احساس امنیت در درون فضای خانواده به‌مثابه متغیر مستقل یا کنترل ننگریسته‌اند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا احساس امنیت کنشگران را درون فضای خانواده اندازه‌گیری کند و به عوامل مرتبط با آن بپردازد.

چارچوب نظری

درباب امنیت رویکردهای گوناگونی مطرح شده و هر رویکرد بر فرض‌های خاصی استوار است. به طور کلی می‌توان گفت در چندسال اخیر امنیت از لحاظ مفهومی متحول شده است. دیدگاه‌های کلاسیک بر نقش دولت تأکید کرده و امنیت را در بعد کلان مرکز توجه قرار داده‌اند و برداشت آنها از مفهوم امنیت بعد عینی‌تری داشته است. در مقابل، هرچه به زمان معاصر نزدیک می‌شویم، امنیت در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اهمیت می‌یابد. در کنار امنیت، مفهوم احساس امنیت و نقش نهادهای اجتماعی در تقویت آن مطرح است. در ادامه، نظریه بوزان، دورکیم، پارسونز و گیدنز مرور شده و با تأکید بر نظریه گیدنز، مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با احساس امنیت انتخاب شده است.

بوزان: پس از پایان جنگ سرد، باری بوزان به همراه ال ویور در مکتب کپنهاک در پی گسترش مفاهیم امنیت، تحلیل‌های ظریفی ارائه دادند و نظریه امنیت اجتماعی را مطرح کردند. موضوعی که نخستین بار در آنجا مطرح شد این بود که اولاً امنیت/ناامنی صرفاً به عوامل نظامی منوط نیست، بلکه امروزه مسائل اجتماعی فراتر از عوامل نظامی نقش ایفا می‌کند. ثانیاً متصدی امنیت فقط دولت‌ها نیستند، بلکه نیروهای اجتماعی نیز در این زمینه نقش برجسته‌ای دارند. به علاوه، صاحب‌نظران مکتب کپنهاک امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح و اظهار می‌کنند تهدیدهای امنیتی به طور ذهنی (احساس امنیت) نیز تجربه‌پذیرند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲). بوزان معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروهایی بالقوه یا بالفعل تهدیدی برای هویت افراد جامعه باشند. امنیت به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن، افراد خودشان را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد کنند؛ به بیان دیگر، امنیت به جنبه‌هایی از زندگی فرد معطوف است که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. بوزان

مفهوم ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت می‌داند و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۴-۶۵).

دورکیم: از دیدگاه دورکیم امنیت جامعه در پرتو همبستگی تأمین می‌شود و همبستگی اجتماعی عامل حفظ جامعه از خطرها و آسیب‌هاست. در این الگو، که بر رابطه ضروری امنیت با همبستگی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی تأکید می‌شود، امنیت فرایند پایان‌ناپذیر رقابت و سازش میان نیروهای گوناگون است که نماینده علایق و همبستگی‌های اجتماعی متفاوت‌اند، مانند گروه‌های صنعتی و تجاری، اتحادیه‌های کارگری، گروه‌بندی‌های مذهبی و قومی و غیره (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). از دیدگاه دورکیم، همبستگی نحوه جذب فرد در اجتماع است. با این حال، عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی، نظم اخلاقی است که مجموعه‌ای از قواعد است که بر روابط اجتماعی حکم فرماست. بنابراین، همبستگی اجتماعی پدیده‌ای اخلاقی و معنوی است که نمود عینی نظم اخلاقی است و امنیت نیز معلول نظم اخلاقی یا اخلاقیات مشترک است؛ به گونه‌ای که با حضور ارزش‌ها و باورهای مشترک، به همان نسبت که پیوندهای جمعی افزایش می‌یابد، امکان تعدی به حقوق دیگران و تجاوز به مال و جان افراد نیز کاهش پیدا می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۲). بر مبنای تحلیل دورکیم با تأکید بر پیدایش بی‌نظمی بر اساس خلل در آگاهی جمعی، می‌توان نتیجه گرفت که در صورت بروز تهدید علیه فرهنگ مشترک اعضای جامعه، زمینه بروز نابهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌آید و یکی از مصداق‌های نابهنجاری اجتماعی احساس ناامنی است.

پارسونز: تالکوت پارسونز امنیت را از منظری جامعه‌شناختی تحلیل کرده است. مسئله اساسی نظریه تحلیلی کنش پارسونز، مسئله نظم اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴) که گویا شامل مفهوم امنیت نیز هست. پارسونز جامعه را به خرده‌سیستم‌هایی تقسیم کرده که هر کدام کارکردهایی خاص دارند و توانمندی آنها در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و برعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی و در نتیجه امنیت جامعه خدشه وارد می‌شود و خطر فروپاشی و زوال آن را تهدید می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹). از آنجاکه در نظریه پارسونز، نهادهای قانونی و حقوقی از تحقق کارکردها در جامعه خبر می‌دهند و یگانگی مدنظر پارسونز را فراهم می‌کنند، جامعه با تثبیت نهادهای حقوقی و قانونی، نظم، امنیت و دوام خود را رقم خواهد زد (بشیریه، ۱۳۷۳: ۸۹). روشن است که حفظ نظم و امنیت در نظریه پارسونز صرفاً به ابزار نظارت و کنترل بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابزار درونی کنترل و عنصر اجتماعی کردن را نیز دربرمی‌گیرد.

آنتونی گیدنز: گیدنز در تحلیل‌های جامعه‌شناختی خود به این نتیجه می‌رسد که امروزه مدرنیته خطر را در برخی حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی کاهش داده و در عین حال، برخی پارامترهای جدید خطرآفرین را، که پیشتر ناشناخته بود، به همان حوزه‌ها وارد کرده است. گیدنز صورت‌های اصلی سیمای مخاطره‌آمیز مدرنیته را به دو دسته تقسیم می‌کند: یکی آنهایی که توزیع عینی مخاطره‌ها را تغییر می‌دهند، که از آن جمله می‌توان جهانی‌شدن مخاطره‌آمیز، شمار فزاینده رخدادهای احتمالی و نفوذ دانش انسانی در محیط‌های مادی را نام برد؛ دیگری آنهایی که تجربه مخاطره یا ادراک مخاطره را تغییر می‌دهند؛ مانند آگاهی از مخاطره به‌منزله صرف مخاطره و نظایر آن (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۸). در تحلیل گیدنز درباب مخاطره و رهایی از آن و امنیت، امنیت وجودی^۱ یکی از صور مهم احساس امنیت تلقی شده است. این اصطلاح به اطمینانی ارجاع می‌دهد که بیشتر اشخاص به تداوم هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. از این نظر، این امنیت پدیده‌ای عاطفی است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۸). گیدنز در بخشی از مباحث خود درباره امنیت و احساس امنیت با توجه به آرای اریکسون به عوامل روان‌شناختی اشاره می‌کند. این احساس امنیت که در رابطه نوزاد با والدین ریشه دارد، بیشتر امری عاطفی است تا شناختی و زمینه آن ناخودآگاه است (تاکر،^۲ ۱۹۹۸: ۸۳). نیروی اساسی ورای بسیاری از کنش‌ها، مجموعه فرایندهای ناخودآگاه برای دستیابی به حس اعتماد در تعامل با دیگران است. گیدنز این مجموعه فرایندها را تحت عنوان نظام امنیت وجودی صورت‌بندی می‌کند؛ بدین معنی که یکی از نیروهای برانگیزنده، اما به شدت مغشوش در ورای کنش، تمایل به حفظ امنیت وجودی یا حس اعتمادی است که از توانایی کاهش اضطراب در روابط اجتماعی برمی‌خیزد. کنشگران به این حس اعتماد نیاز دارند (ترنر،^۳ ۲۰۰۳: ۴۸۴).

مقاله حاضر با اتکا به نظریه ساختاربندی^۴ گیدنز به تحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت در فضای خانواده پرداخته است. در نظریه ساختاربندی، حیطه اصلی مطالعه علم اجتماعی، اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند. ساختارها مجموعه‌ای از الگوهای بادوام کنش هستند که همیشه با قواعد و منابع راهنمایی می‌شوند. براساس مفهوم دوسویگی ساخت، کنشگران در تولید کنش متقابل به قواعد و منابع متوسل می‌شوند، اما بدین ترتیب همان قواعد و منابع از رهگذر همین کنش متقابل مجدداً بی‌ریزی و ساخته می‌شوند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۴۸۰).

1. Existential Security
2. Tucker
3. Turner
4. Structuration Theory

قواعد و منابع میانجی هستند، یعنی روابط اجتماعی را به هم وصل می‌کنند، قواعدی که کنشگران به کار می‌برند تا در طول زمان و مکان روابط را بیافرینند، تقویت کنند و تغییر دهند. به تعبیر گیدنز، افراد از قواعدی پیروی می‌کنند که در ساختار اجتماعی جای دارد و معرفت جمعی در باب قواعد اجتماعی، شرط تعامل اجتماعی است. به اعتقاد او، افراد هم تابع قاعده‌اند و هم خالق آن (تاکر، ۱۹۹۸: ۸۱). قواعد فرایندهای تعمیم‌یافته‌ای هستند که کنشگران آنها را در موقعیت‌های مختلف درک می‌کنند و به کار می‌برند. گیدنز ادعا می‌کند که قواعد، روش یا تکنیکی هستند که کنشگران اغلب به طور ضمنی می‌شناسند و برای کنش مناسب می‌دانند (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۸). به عبارتی، قواعد متعارف، اما قراردادی‌اند.

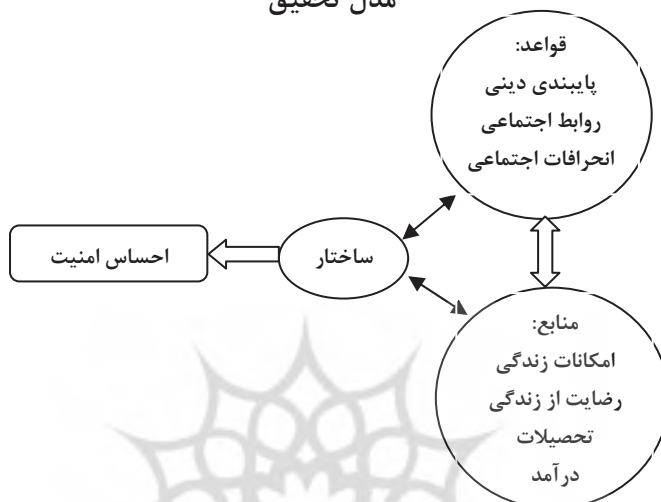
قواعد می‌توانند روش‌ها و فرمول‌های ترکیبی متنوعی برای هدایت مردم در زمینه ارتباط، کنش متقابل و سازگارشدن با دیگران ارائه دهند و به دو نوع اساسی تقسیم می‌شوند: «قواعد هنجاری، یا ایجاد حقوق و وظایف در یک زمینه (مکان) و قواعد تفسیری، یا طرح‌ها و ذخایر آگاهی در یک زمینه (مکان)» (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۹). در این میان، قواعد هنجاری به ابزار مشروعیت تبدیل می‌شوند، زیرا باعث می‌شوند چیزها درست و مناسب به نظر بیایند، اما قواعد تفسیری، برای ایجاد معنا یا نظام‌های نمادین معنادار استفاده می‌شوند (مانند آموزه‌های دینی)، زیرا به مردم راه‌های دیدن و تفسیر وقایع را نشان می‌دهند.

دومین جزء ساختار در نظریه ساختاربنندی منابع‌اند که می‌توانند مادی، مانند پول یا کالا، باشند، یا منابع اقتداری، از قبیل سرمایه فرهنگی و قدرت سیاسی (گیدنز، ۱۹۸۴). منابع قویاً به قواعد اجتماعی مرتبط‌اند. نکته اساسی این است که منابع ابزار سلطه‌اند و به دو نوع اساسی تقسیم شده‌اند: «اقتداری یا ظرفیت سازمانی، برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه و تخصیصی، یا کاربرد ویژگی‌ها، ابزار و کالاهای مادی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه» (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۹۷).

با استفاده از نظریه ساختاربنندی گیدنز می‌توان به تحلیل احساس امنیت در درون فضای خانواده پرداخت. همان‌طور که گفته شد، گیدنز در نظریه ساختاربنندی معتقد است کنش انسان‌ها تحت تأثیر دو عامل قواعد و منابع است. بنابراین، کنشگران برای تسهیل در ارتباطات اجتماعی به قواعد و منابع متوسل می‌شوند. افراد درون خانواده ورای کنش‌هایشان باید احساس امنیت وجودی داشته باشند. برای اینکه این احساس از سوی جامعه نیز به آنها تزریق شود، به قواعد و منابع متوسل می‌شوند. با اتکا به نظریه ساختاریابی متغیرهایی نظیر تحصیلات، درآمد، رضایت از زندگی و امکانات زندگی به مثابه منابع (از نوع تخصیصی) و متغیر روابط اجتماعی (به‌منزله قواعد هنجاری) و پایبندی دینی، انحرافات اجتماعی و امکانات زندگی (به‌عنوان قواعد

تفسیری) در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه، براساس چارچوب نظری پژوهش، مدل تجربی تحقیق ترسیم می‌شود.

مدل تحقیق



فرضیه‌های پژوهش

۱. بین تحصیلات والدین و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان درآمد و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.
۳. بین انحرافات اجتماعی و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.
۴. بین رضایت از زندگی و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.
۵. بین امکانات زندگی و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان پابندی دینی و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.
۷. بین روابط اجتماعی و احساس امنیت در خانواده رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش این پژوهش پیمایشی مبتنی بر یک نمونه معرف و ابزار سنجش معتبر است. ضمن اینکه برای تدوین ملاحظات نظری و سوابق تجربی تحقیق از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره گرفته شده است. این پژوهش از لحاظ معیار زمان مقطعی و از لحاظ معیار ژرفایی پنهانگر بوده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانوارهای شهر شیراز تشکیل می‌دهند که طبق سرشماری ۱۳۹۰ تعداد آنها ۴۷۹۷۲۲ خانوار بوده است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و احتمال خطای

۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۴ خانواده به دست آمد که برای افزایش تعمیم یافته‌ها و اعتبار تحقیق تعداد این نمونه به ۵۰۰ خانواده افزایش یافت. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای است. پرسش‌نامه پس از احراز اعتبار و پایایی در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های لازم به کار گرفته شد. برای سنجش اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری استفاده شد؛ به این ترتیب، چند نفر از متخصصان گویه‌های محقق ساخته را تأیید کردند تا اعتبار صوری به دست آمد. برای ارزیابی پایایی تحقیق از تکنیک هم‌آهنگی درونی گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول ۱. آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	میزان آلفای کرونباخ
احساس امنیت	۰/۸۴
دین‌داری	۰/۷۴
رضایت از زندگی	۰/۷۳
روابط اجتماعی	۰/۷۶
انحرافات اجتماعی	۰/۷۳
امکانات زندگی	۰/۸۷

جدول ۱ نشان می‌دهد که میزان آلفای کرونباخ همه متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷ است. یعنی گویه‌های تحقیق از همبستگی درونی زیادی برخوردارند. میزان آلفای کرونباخ متغیر وابسته تحقیق یعنی احساس امنیت ۰/۸۴ به دست آمد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

احساس امنیت: احساس امنیت به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷). برای عملیاتی کردن این متغیر مقیاسی به شیوه لیکرت با پنج گویه طراحی شد. سطح سنجش این متغیر به صورت فاصله‌ای بوده است.

روابط اجتماعی: عبارت است از محدوده کسانی که فرد با آنها ارتباط دارد و در واقع بر آنان تأثیر می‌گذارد یا از آنها تأثیر می‌پذیرد. برای سنجش این متغیر سؤالاتی درباره ارتباط و رفت‌وآمد خانواده با دوستان و آشنایان طرح شده است. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای بوده و از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است.

دین‌داری: به معنای میزان پایبندی پاسخگو به باورها و اعتقادات مذهبی و انجام اعمال مذهبی است. این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شد. تعداد گویه‌های این متغیر نیز پنج سؤال محقق‌ساخته بود.

رضایت از زندگی: منظور از رضایت از زندگی، نگرش فرد، ارزیابی عمومی درباره‌ی کلیت زندگی خود یا برخی جنبه‌های زندگی مانند زندگی خانوادگی است. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای و در قالب طیف لیکرت نمره‌گذاری شد.

برای سنجش انحرافات اجتماعی پنج‌گویه در قالب طیف لیکرت طراحی شد. این گویه‌ها سؤالاتی را درباره‌ی مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی، و زدو خورد در میان اعضای خانواده مطرح می‌کردند. امکانات زندگی در قالب طیف لیکرت به مسافرت‌های سالانه‌ی خانواده، هزینه‌های پزشکی، و میزان تنوع غذایی و امثال اینها می‌پردازد که در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شد.

یافته‌ها

واحد تحلیل در این تحقیق خانواده‌های شهر شیراز است. برای سهولت در ارائه‌ی یافته‌های تحقیق کوشیدیم پرسش‌نامه‌های تحقیق را در هر منزل به سرپرست خانواده بدهیم، بنابراین در اینجا سرپرستان خانواده‌ها نمونه‌ی تحقیق قرار گرفتند. داده‌های توصیفی از ۵۰۰ خانواده نشان می‌دهد میانگین سنی جمعیت نمونه ۴۵/۵۰ سال، حداکثر سن ۸۴ و حداقل ۲۳ سال است. میانگین تعداد اعضای خانواده ۴/۵۴ نفر است که بیشترین خانواده ۱۰ نفر و کمترین آن ۲ نفر جمعیت دارند. از مجموع ۵۰۰ خانواده برحسب طبقه‌ی اجتماعی، ۸/۲ درصد به طبقه‌ی مرفه، ۶۶/۸ درصد به طبقه‌ی متوسط، ۱۸/۰ درصد به طبقه‌ی کارگر و ۷/۰ به طبقه‌ی پایین جامعه تعلق داشتند؛ بنابراین، با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت اکثر خانواده‌های این تحقیق متعلق به طبقه متوسط‌اند. از مجموع کل خانواده‌ها، ۲۶۵ خانواده در ملک شخصی خود سکونت داشتند. محل سکونت ۱۹۱ خانواده استیجاری و ۱۷ خانواده سازمانی بوده است و ۲۳ خانواده نزد اقوام خود سکونت داشتند. ۴ خانواده نیز به نوع منزل خود پاسخ نداده‌اند؛ بنابراین، می‌توان گفت بیش از ۵۰ درصد خانواده‌های تحقیق منزل شخصی دارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی دین‌داری پاسخگویان

دین‌داری	فراوانی	درصد
بالا	۳۸۹	۷۷/۸
متوسط	۸۹	۱۷/۸
پایین	۲۲	۴/۲
جمع	۵۰۰	۱۰۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که ۷۷/۸ درصد از پاسخگویان بسیار دین‌دارند، دین‌داری ۱۷/۸ درصد در سطح متوسط است و فقط ۴/۲ درصد از پاسخگویان پایبندی دینی کمی داشتند؛ بنابراین، با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت اکثر پاسخگویان از دین‌داری سطح بالایی برخوردارند.

جدول ۳. توزیع فراوانی میزان رضایت از زندگی پاسخگویان

رضایت از زندگی	فراوانی	درصد
زیاد	۶۹	۱۳/۸
متوسط	۴۱۵	۸۳/۰
کم	۱۶	۳/۲
جمع	۵۰۰	۱۰۰

جدول ۳ به توزیع فراوانی رضایت از زندگی در بین پاسخگویان می‌پردازد. نتایج نشان داد که ۱۳/۸ درصد از پاسخگویان از زندگی رضایت زیادی داشتند، ۸۳/۰ درصد رضایت متوسطی را تجربه کرده‌اند و ۳/۲ درصد از پاسخگویان رضایت کمی از زندگی داشتند. می‌توان گفت اکثر پاسخگویان از رضایت زندگی متوسطی برخوردار بودند.

جدول ۴. توزیع فراوانی میزان روابط اجتماعی پاسخگویان

روابط اجتماعی	فراوانی	درصد
زیاد	۳۶۰	۷۲/۰
متوسط	۱۱۲	۲۲/۴
کم	۲۸	۵/۶
جمع	۵۰۰	۱۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که میزان روابط اجتماعی ۷۲ درصد از پاسخگویان بالاست، ۲۲/۴ درصد متوسط است و فقط ۵/۶ درصد از پاسخگویان روابط اجتماعی کمی داشتند. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت میزان روابط اجتماعی در بین کنشگران این تحقیق بالاست.

جدول ۵. توزیع فراوانی میزان احساس امنیت در فضای خانواده

احساس امنیت	فراوانی	درصد
زیاد	۴۱۴	۸۲/۸
متوسط	۶۸	۱۳/۶
کم	۱۸	۳/۶
جمع	۵۰۰	۱۰۰
میانگین	۱۳/۰۳	

با توجه به جدول ۵ مربوط به متغیر وابسته می‌توان گفت احساس امنیت در فضای خانواده‌های تحت مطالعه بالاتر از سطح متوسط است. چنان‌که در جدول ۶ نیز مشاهده می‌شود، اغلب خانواده‌ها احساس امنیت زیادی را در فضای خانواده گزارش کرده‌اند. بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان از احساس امنیت زیادی برخوردار بودند و صرفاً ۳/۶ درصد از پاسخگویان احساس امنیت کمی داشتند. میانگین احساس امنیت پاسخگویان برابر با ۱۳/۰۳ بوده است که از میانگین پیش‌بینی شده، که برابر با ۱۲/۵۰ بوده است، بیشتر است.

جدول ۶. ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر	درآمد	انحرافات	رضایت از زندگی	امکانات زندگی	دینی	پایبندی اجتماعی	روابط
تحصیلات مادر	۰/۶۷۷**								
درآمد	۰/۲۴**	۰/۲۷**							
انحرافات	-۰/۰۴	-۰/۰۶	-۰/۰۹						
رضایت زندگی	۰/۱۲**	۰/۰۹*	۰/۱۲**	-۰/۰۴**					
امکانات زندگی	۰/۳۵**	۰/۲۳**	۰/۳۸**	-۰/۱۶**	۰/۱۸**				
پایبندی دینی	-۰/۰۹*	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۳**	۰/۳۸**	۰/۰۶			
روابط اجتماعی	۰/۱۶**	۰/۰۹*	۰/۱۷**	-۰/۱۵**	۰/۳۱**	۰/۳۱**	۰/۲۰**		
احساس امنیت	-۰/۱۲**	-۰/۱۰*	۰/۰۹*	-۰/۱۵**	۰/۷۲**	۰/۱۸**	۰/۳۴**	۰/۲۶**	

** معنی‌دار در سطح ۰/۹۹ درصد * معنی‌دار در سطح ۰/۹۵ درصد

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین تحصیلات پدر و احساس امنیت رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. بدین‌صورت که هرچه سطح تحصیلات پدر افزایش یابد، احساس امنیت در درون فضای خانواده نیز کمتر می‌شود. بین تحصیلات مادر و احساس امنیت نیز رابطه

معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات مادر و احساس امنیت برابر با $0/102$ - است که رابطه ضعیفی را نشان می‌دهد. تفسیر این رابطه به این صورت است که هرچه تحصیلات مادر افزایش یابد، احساس امنیت در درون فضای خانواده نیز کمتر می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت به طور کلی با افزایش سطح تحصیلات والدین، نوعی احساس ناامنی در افراد به وجود می‌آید.

درآمد خانواده عامل دیگری است که با احساس امنیت رابطه معنی‌دار و مثبتی دارد؛ یعنی افزایش درآمد عامل مهمی در افزایش احساس امنیت در درون فضای خانواده است؛ هرچند باید گفت شدت رابطه بین درآمد و احساس امنیت ضعیف است.

متغیر انحرافات اجتماعی در این تحقیق نیز با احساس امنیت رابطه معنی‌داری نشان می‌دهد. براساس جدول ۶، می‌توان گفت این رابطه معکوس است؛ بدین صورت که هرچه انحرافات اجتماعی بیشتر شود، احساس امنیت در درون فضای خانواده کمتر می‌شود. مقدار ضریب همبستگی بین انحرافات اجتماعی و احساس امنیت برابر با $0/558$ - است که شدت رابطه را متوسط روبه‌بالا نشان می‌دهد.

نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین رضایت از زندگی و احساس امنیت رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد؛ یعنی هرچه رضایت خانواده‌ها از زندگی بیشتر باشد، احساس امنیت در درون فضای خانواده نیز بیشتر می‌شود. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین رضایت از زندگی و احساس امنیت برابر با $0/720$ است. این رابطه در بین متغیرهای تحقیق بالاترین ضریب همبستگی را دارد.

متغیر دیگری که با احساس امنیت رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت دارد امکانات زندگی است. نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد هرچه امکانات زندگی بیشتر شود، احساس امنیت در درون فضای خانواده نیز بیشتر می‌شود. سطح معنی‌داری این فرضیه برابر با $0/99$ درصد و مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر برابر با $0/185$ است.

بین پایبندی دینی و احساس امنیت رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت وجود دارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد هرچه پایبندی دینی افراد بیشتر باشد، احساس امنیت در درون فضای خانواده نیز بیشتر می‌شود؛ بنابراین، پایبندی دینی عامل مهمی در افزایش احساس امنیت در فضای خانواده‌هاست.

آخرین متغیری که در جدول ماتریس همبستگی قرار دارد متغیر روابط اجتماعی است. بین روابط اجتماعی و احساس امنیت نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. تفسیر آن بدین گونه است که با افزایش روابط اجتماعی خانواده‌ها، میزان احساس امنیت در بین آنها نیز بیشتر

می‌شود. همچنین مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر روابط اجتماعی و احساس امنیت برابر با ۰/۲۵۹ است.

رگرسیون چندمتغیره

برای تبیین بیشتر متغیرها از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در این روش به‌منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل از روش گام به‌گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مستقل به‌ترتیب اهمیت وارد مدل می‌شوند، با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهایی که تاکنون وارد شده‌اند مجدداً تحت بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معنی‌داریشان کاسته شود از مدل خارج می‌شوند، وگرنه باقی می‌مانند.

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که در بین متغیرهای تحقیق، متغیر رضایت از زندگی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت در درون فضای خانواده دارد. در واقع این متغیر به‌تنهایی قادر است بیش از ۰/۵۱ درصد از واریانس احساس امنیت را تبیین کند. مقدار بتای رضایت از زندگی نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد به سطح رضایت از زندگی خانواده‌ها، مقدار ۰/۵۶۸ درصد به میزان احساس امنیت خانواده‌ها افزوده می‌شود. متغیر بعدی که بیشترین همبستگی را با احساس امنیت دارد، انحرافات اجتماعی است. در واقع با ورود این متغیر به معادله رگرسیون مقدار مجذور آر به ۰/۵۷ افزایش یافت. مقدار بتای انحرافات اجتماعی نشان می‌دهد که با افزایش انحرافات اجتماعی، احساس امنیت در درون فضای خانواده کمتر می‌شود. به‌طور کلی این دو متغیر قادرند بیش از ۰/۵۷ درصد از واریانس احساس امنیت در درون فضای خانواده را تبیین کنند، باقی متغیرها از مدل رگرسیون خارج شدند.

جدول ۷. نتایج آزمون رگرسیون احساس امنیت در فضای خانواده

متغیر	B	S.E	Beta	T	Sig	R	R ²
مقدار ثابت	۷/۹۵۷	۰/۴۷۹	-	۱۶/۶۲	۰/۰۰۰		
رضایت از زندگی	۰/۵۴۸	۰/۰۳۱	۰/۵۸۶	۱۷/۶۷	۰/۰۰۰	۰/۷۲	۰/۵۱
انحرافات اجتماعی	-۰/۲۸۳	۰/۰۳۳	-۰/۲۸۵	-۸/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۷۶	۰/۵۷

نتیجه‌گیری

این مطالعه با تأکید بر نظریه ساختاریابی گیدنز به تبیین عوامل مؤثر بر احساس امنیت در خانواده‌های شهر شیراز پرداخت. مطابق این نظریه، قواعد و منابع میانجی‌اند؛ یعنی روابط اجتماعی را به هم وصل می‌کنند. کنشگران از قواعد استفاده می‌کنند تا در طول زمان و مکان،

روابط را خلق و تقویت کنند و تغییر دهند. با استفاده از این نظریه به بررسی تأثیر عواملی از قبیل دین‌داری، روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، امکانات زندگی و انحرافات اجتماعی و برخی متغیرهای زمینه‌ای از قبیل تحصیلات و درآمد بر احساس امنیت در فضای خانواده پرداختیم.

تحلیل توصیفی نشان داد که احساس امنیت در فضای خانواده‌های تحت مطالعه بیشتر از سطح متوسط است و اغلب خانواده‌ها احساس امنیت زیادی را در فضای خانواده تجربه کرده‌اند. یکی از متغیرهایی که با احساس امنیت در فضای خانواده رابطه معنادار دارد تحصیلات والدین است. این یافته با نتایج تحقیق مختاری و همکاران (۱۳۹۱) هم‌سو است. افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، در واقع آگاهی و دانش بیشتری دارند. گفته شد که احساس امنیت نیز از حد متوسط بالاتر بوده است؛ بنابراین، می‌توان گفت در تحلیل امنیت اجتماعی و دست‌یافتن به میزانی از احساس امنیت، افرادی که تحصیلات بیشتر و آگاهی بیشتری دارند، امنیت کمتری احساس می‌کنند. طبق نظریه گیدنز می‌توان گفت تحصیلات به منزله منبعی در دسترس، نه تنها احساس امنیت را افزایش نمی‌دهد، بلکه از میزان آن می‌کاهد. در حقیقت، همواره داشتن هر نوع منبعی به افزایش احساس امنیت کمک نمی‌کند.

یافته بعدی تحقیق نشان داد که هرچه درآمد خانواده‌ها بیشتر باشد، احساس امنیت نیز بیشتر می‌شود. در واقع، بر طبق نظر گیدنز، درآمد یکی از منابعی است که می‌تواند نقش بارزی در احساس امنیت در فضای خانواده ایجاد کند. متغیر انحرافات اجتماعی نیز با احساس امنیت رابطه معنی‌دار و معکوسی برقرار کرد، بدین صورت که هرچه انحرافات اجتماعی بیشتر شوند، احساس امنیت در درون فضای خانواده کمتر می‌شود. برای تبیین این یافته به نظر دورکیم می‌پردازیم: او اعتقاد دارد در جامعه‌ای که فرهنگ مشترک و قوی در باب اعتقاد عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی استحکام بیشتر، و نظم اجتماعی عینیت بیشتری خواهد یافت. این مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند نظام اخلاقی و نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به مردم جامعه هدیه کند تا در پرتو آن نظم اجتماعی برقرار بماند و جرم، ناهنجاری و خودکشی کاهش یابد و هرج‌ومرج رخت بریندد و به تبع آن امنیت برقرار شود (صدیقی‌اورعی، ۱۳۷۶: ۱۴۹). بدین ترتیب در صورت نبود هنجارها و ارزش‌های مشترک، که افراد را از انحرافات اجتماعی منع کنند، احساس ناامنی در سطح جامعه گسترش پیدا می‌کند و تا لایه‌های زیرین اجتماع به خصوص خانواده نفوذ می‌کند و کارکردهای آن را مختل می‌کند.

متغیر رضایت از زندگی رابطه معناداری با احساس امنیت دارد. این یافته با پژوهش هزارجریبی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌سو است. اجتماع نظام‌یافته یا جمعی‌شده پارسونز، اعضای جامعه را گرد هم می‌آورد و از طریق این تجمع به آنها توانایی می‌دهد تا از منافع مشترک خود

دفاع کنند و به تأمین نیازها و تحقق اهداف و درنهایت رضایت از زندگی دست یابند (ریتزر، ۱۳۷۷). احساس امنیت با رضایت از زندگی نیز همبستگی قوی دارد و هر دو از شاخص‌های رفاه اجتماعی محسوب می‌شوند (صفری‌شالی، ۱۳۸۹: ۴). این یافته با نتایج تحقیق افشانی و همکاران (۱۳۹۱) هم‌سو است. یکی از عواملی که نقش بارزی در احساس امنیت درون فضای خانواده دارد، امکانات زندگی است. در واقع خانواده‌هایی که توانسته‌اند امکانات مناسبی برای اعضای خود مهیا کنند، از احساس امنیت بیشتری برخوردارند. برخی قواعد برای ایجاد معناداری یا نظام‌های نمادین معنادار کاربرد دارند؛ آنها به مردم راه‌های دیدن و تفسیر وقایع را نشان می‌دهند. دین‌داری افراد و میزان پایبندی‌شان به قواعد آن، از این جمله است. این تحقیق نشان داد هرچه افراد به عقاید دینی خود پایبندتر باشند، احساس امنیت بیشتری را تجربه خواهند کرد. این یافته با نتایج تحقیق مختاری و همکاران (۱۳۹۱)، هاشمیان‌فر و همکاران (۱۳۹۲)، و افشانی و همکاران (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. می‌توان گفت اعتقادات دینی نوعی کنترل درونی در افراد ایجاد می‌کند و روح همگانی را در کالبد جامعه می‌دمد و باعث می‌شود افراد جامعه احساس مسئولیت بیشتری در قبال یکدیگر داشته باشند. این کنترل درونی نوعی نیروی بازدارندگی در مقابل برخی اعمال (نظیر جرم و انحراف اجتماعی) در افراد ایجاد می‌کند و آنها را وادار می‌کند که به حقوق دیگران طی روابط و مناسبات اجتماعی‌شان احترام بگذارند (قاسمی و امیری‌اسفرجانی، ۱۳۹۰: ۲۷).

رابطه بین روابط اجتماعی و احساس امنیت هم فرضیه‌ای بود که بر مبنای نظریه گیدنز تدوین شد. این نظریه بیان می‌کند که هویت انسان در کنش متقابل با دیگران شکل می‌گیرد و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد و تعدیل می‌کند. این نظریه با تأیید رابطه بین روابط اجتماعی و احساس امنیت بر اساس تجزیه و تحلیل آماری در تحقیق حاضر تأیید شد. به لحاظ روش‌شناختی، احساس امنیت سازه‌ای چندبعدی است و با توجه به وضعیت اجتماعی و افراد مختلف سنجش‌پذیر و قابل اندازه‌گیری است. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه با یکدیگر متفاوت‌اند. از طرفی، احساس امنیت، که مقوله‌ای روان‌شناختی و اجتماعی- فرهنگی است، از اهداف و امکانات جامعه برای تحقق آن متأثر است. در این پژوهش، احساس امنیت اجتماعی بیشتر از قواعد متأثر بود؛ هر چند منابعی نظیر تحصیلات و درآمد نیز در احساس امنیت نقش داشتند. به منظور تقویت احساس امنیت در فضای خانواده، که کاهش آن در این نهاد باعث گسترش ناامنی و کاهش امنیت در فضای جامعه می‌شود، پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

مطالعات علمی و تخصصی در باب امنیت و احساس امنیت باید به صورت مقطعی تکرار شود تا مشخص شود در مقاطع زمانی مختلف احساس آرامش و امنیت اجتماعی در خانواده‌ها چه تفاوتی کرده است. رسانه‌های جمعی به‌منزله کنترل‌کننده افکار عمومی باید نقش خانواده را در احساس امنیت در درون این نهاد و نیز در فضای جامعه برجسته کنند.

منابع

- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵) *امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- افشانی، سیدعلیرضا و همکاران (۱۳۹۱) «بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، شماره ۴: ۶۵-۸۲.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: امیرکبیر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳) *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴) *مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناپاد: مرن‌دیز.
- چلی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.
- خواجه‌نوری، بیژن و مهدی کاوه (۱۳۹۲) «مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی»، *پژوهش‌های راهبرد نظم و امنیت اجتماعی*، سال دوم، شماره پیاپی ۶، شماره ۲: ۵۷-۷۸.
- ریترز، جورج (۱۳۷۷) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا (۱۳۸۵) «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۲: ۸۷-۱۰۶.
- شایگان، فریبا و فاطمه رستمی (۱۳۹۰) «هویت اجتماعی و احساس امنیت، مطالعه موردی: زنان تهران»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۹: ۱۵۲-۱۸۳.
- صدیقی‌اورعی، غلامرضا (۱۳۷۶) «تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی»، *مجموعه مقالات ارائه‌شده در همایش توسعه و امنیت (۷-۵) اسفند ۱۳۷۵*، تهران: وزارت کشور، جلد اول: ۱۳۱-۱۴۲.
- صفری‌شالی، رضا (۱۳۸۹) *مطالعه میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان قزوینی*، تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرهادپور، رقیه، زهرا رجب‌پور، و احمد خامسان (۱۳۹۱) «بررسی ادراک شهروندان از احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در استان خراسان جنوبی»، *دانش انتظامی خراسان جنوبی*، سال دوم، شماره ۱: ۲۸-۴۶.

قاسمی، وحید و زهرا امیری اسفرجانی (۱۳۹۰) «تبیین جامعه‌شناسی تأثیر دین‌داری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۲، شماره ۲: ۲۱-۴۶.

کاهه، احمد (۱۳۸۴) *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، جلد اول، تهران: نشر گلیونه.
کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۴) «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی ناجا، جلد اول، تهران: نشر گلیونه.
گروسی، سعیده، جلال میرزایی و احسان شاهرخی (۱۳۸۶) «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت؛ مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال نهم، شماره ۲: ۲۶-۳۹.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
ماندل، رابرت (۱۳۷۹) *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده راهبردی.
مختاری، مریم و همکاران (۱۳۹۱) «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال اول، شماره ۲: ۲۲-۴۰.
نبوی، سیدعبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده، و سیده‌هاجر حسینی (۱۳۸۹) «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره پیاپی ۵۰، شماره ۴: ۷۳-۹۶.

نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵) «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، مرکز مستندات اجتماعی، شماره ۴ و ۵: ۵۲-۷۸.
هاشمیان‌فر، سیدعلی، حمید دهقانی، و فاطمه اکبرزاده (۱۳۹۲) «تأثیر دین‌داری و رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان»، *راهبرد امنیت و نظم اجتماعی*، سال دوم، شماره پیاپی ۵، شماره ۱: ۵۳-۷۲.

هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۸) «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن؛ مطالعه موردی: شهروندان تهرانی»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال اول، شماره ۳: ۸-۲۸.

Bilgin, P. (2003) "individual and societal dimensions of security", *International Studies Review*, Vol. 5: 203-222.

Gaunt, R & Benjamin, O. (2008) "Job insecurity, Stress and Gender", *Community, work and family*, Vol. 10(3): 341- 355.

Giddens, A. (1984) *The Constitution of Society*, Oxford: polity Press.

- Lindstrom, M. (2008) "Social capital anticipated ethnic discrimination and self-reported psychological health: a population-based study", *social science & medicine*, Vol. 66: 1-13.
- Hawdon, J. & Ryan, J. (2009) "Social capital, social control, and changes in victimization rates", *Crime & Delinquency*, Vol. 55(4): 526-549.
- Olsen, B. & Hovden, J. (2007) "Societal safety: concept, borders and dilemmas", *journal of contingencies and crisis management*, Vol. 15: 43-60.
- Oneill, j. (2002) "*The trust fund, the surplus, and the real social security problem*", Cato institute social security paper, 26: 1-9.
- Pourkasmaei, M., Fallahi G. R., Nikmanesh, S. & Aghataghi, M. (2013) "Family structure and sense of security", *Advances in Applied Science Research*, Vol 4(3):374-379.
- Tucker, J., & Kenneth, H. (1998) *Anthony Giddens and modern social theory*. London: Sage Publication.
- Turner, J. H. (2003) *The Structure of Sociological theory*. London: Wadsworth Publishing Company.

